

ایران در هفته‌ای که گذشت!

(۲۹)

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

زنده باد همبستگی بین‌المللی برای رهایی زنان!

۸ مارس روز همبستگی جهانی برای رهایی زنان، روزی است که میلیون‌ها انسان در کشورهای مختلف جهان، در تظاهرات‌ها، راهپیمایی‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها و جشن‌ها شرکت می‌کنند. این روز را باید گرمی داشت و هر چه با شکوه‌تر به استقبال آن رفت.

رژیم جمهوری اسلامی، رژیم ضدانسان و به ویژه ضدزن و یک سیستم کاملاً فاشیستی و آپارتاید جنسی است. از این رو همبستگی بین‌المللی برای رهایی زنان ایران، اهمیت خاصی پیدا می‌کند. باید همه انسان‌های برابری‌طلب، سیاست‌های این رژیم جنایت‌کار و سرکوبگر و ستم‌گر را هر چه بیش‌تر افشا سازند و روز هشتم مارس را باید به روز اوج اعتراض بر علیه همه ستم، تبعیض، نابرابری و بی‌حقوقی به زنان ایران و آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی، در داخل و خارج از کشور مبدل سازند. در حالی که زنان، نصف جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، فقط ده درصد آنان شاغل هستند.

به گزارش ایسنا، محمدرضا مهدی‌زاده دانش‌جوی دوره دکتری جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، در مقاله‌ای که در همایش توانایی‌های زنان ارایه داد، به بررسی فعالیت‌های زنان خانه‌دار به عنوان نقش‌ناپیدا و غیررسمی زنان در عرصه اشتغال پرداخت.

در این مقاله با اشاره به این که ۵۶/۷ درصد زنان غیرفعال از نظر اقتصادی که درصدی بالاتر از سهم مردان شاغل کشور می‌باشد، به امر خانه‌داری مشغولند بر ضرورت توجه به آینده زنان خانه‌دار و نتایج حاصله از کار در منزل تاکید کرده است.

مهدی‌زاده، درباره مفهوم خانه‌داری و اشتغال زنان، آورده است: از دیدگاه سنتی، خانه‌داری و زن خانه‌دار مورد ستایش و گاه به پشتوانه‌های دینی مورد تقدیس قرار می‌گیرد و این جایگاه به عنوان مهم‌ترین مکان رشد و تعالی شخصیتی زن تلقی می‌شود. از این دیدگاه هر گونه کار زن در خارج از

خانه، به دلیل اثرگذاری بر تربیت فرزند و ثبات خانواده باعث عدم توازن در نظام جامعه تلقی می‌شود.

دیدگاه رادیکالی در مقابل نگرش سنتی، خانه‌داری را به دیده تخفیف و عقب‌ماندگی عامل ستم دیدگی و توسعه نیافتگی زنان، به ویژه در سایه سلطه مردسالاری در درون منزل قرار داده و این فعالیت را کم‌منزلت‌ترین فعالیت مربوط به زنان تلقی می‌کند...

مهدی‌زاده، در بخش دیگری از این مقاله به بررسی ساختار و ترکیب فعالیت‌های خانه‌داری پرداخته و از مدیریت روانی، تربیتی محیط و اوضاع منزل برای شوهر و فرزندان، مدیریت غذایی، جسمانی، پزشکی، آموزشی و مراقبت بهداشتی، واکسیناسیون، تهیه دارو و درمان و مدیریت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین فعالیت‌های غیرتولیدی زنان خانه‌دار ذکر کرده است.

به زعم وی، اساسی‌ترین ویژگی‌های وظایف مدیریتی این زنان، مدت زیاد و سختی و طاقت‌فرسایی کار آن‌ها می‌باشد.

در بخش دیگری از این مقاله آمده است: تا زمانی که با دیدگاه‌های افراطی و تفریطی، طرد کار خانگی به علت تجسم سلطه مردسالارانه مطرح شود و یا آن را وظیفه صرف زن و زنانه تلقی کنند. نمی‌توان هیچ‌گونه بهبودی در شرایط کار، ساعات کار و تامین آتیه آن برای خدمت به رشد و پیشرفت زنان انجام داد.

علاوه بر فشار کار طولانی (به ویژه برای زنان روستایی) و تنوع کار زنان خانه‌دار و این که حتا توسعه و فناوری از حجم کار منزل و پرورش فرزندان نکاسته، وجود فشار و تعارض نقش و نبود تامین اجتماعی در دوران سال‌خوردگی از مهم‌ترین مشکلاتی است که زنان با آن مواجه هستند.

مهدی‌زاده در پایان ضرورت تحول فرهنگی و گام نهادن به سوی عدالت و کاهش نابرابری جنسیتی را در این عرصه را یادآور شد و افزود: از آن جا که کار در منزل به جنس خاصی اختصاص ندارد و بیش‌تر مادری و فرزندی است کار در منزل و خانه‌داری باید به عنوان شغل زنان تعریف شود.

خودسوزی، در اعتراض به بی‌حقوقی و ستم بر زنان

تحقیقات در ایران، نشان می‌دهد که دلیل اصلی خودسوزی زنان، اعتراض به بی‌حقوقی و ستمی که بر آنان می‌رود، است.

آخرین نمونه خودکشی ۵ دختر جوان بین سنین ۱۴ تا ۱۸ ساله بود که به فاصله دو روز در یک محل شیراز، خود را سوزاندند. رژیم جمهوری اسلامی، عامل اصلی ستم بر زنان و رشد و گسترش مردسالاری در ایران است.

دکتر مهران ضرغام روانپزشک و دکتر علیرضا خلیلیان متخصص آمار حیاتی عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران که دست به تحقیقاتی در بررسی خودسوزی در استان مازندران زده‌اند. در این پژوهش تعداد ۳۱۸ مورد خودسوزی که طی سه سال به تنها مرکز سوختگی استان مازندران ارجاع شده بود مورد بررسی قرار گرفت که ۲۴۲ مورد آن‌ها منجر به مرگ شد.

این تحقیقات که در سایت زنان ایران منتشر شده است، خودسوزی کنندگان شامل ۲۴۶ زن (۸۳ درصد) و ۵۴ مرد (۱۷ درصد) بودند که در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال اقدام به خودسوزی به طور معنی‌داری بیش‌تر از سایر گروه‌های سنی بود، ۴۸ درصد اقدام کنندگان متاهل بودند، ۵۷ درصد آن‌ها تحصیلات متوسطه داشتند و ۷۵ درصد آن‌ها را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دادند، ۵۲ درصد موارد ساکن شهر و ۴۸ درصد ساکن مناطق روستایی بودند.

این نتایج در ادامه افزوده است: اعتیاد به سیگار در ۱۶/۷ درصد موارد، اعتیاد به الکل در ۲/۲ درصد موارد و اعتیاد به تریاک و هرویین به ترتیب در ۴/۷ درصد و ۱/۹ درصد موارد گزارش گردیده است.

بر پایه نتایج این تحقیقات، ۶۲ درصد موارد به طور ناگهانی اقدام به خودسوزی کرده بودند و در ۳۹ درصد موارد، پیش از اقدام در این باره صحبت کرده بودند و در ۹ درصد موارد، قصد خود را به صورت یادداشت کتبی مطرح کرده بودند، ۷/۴ درصد موارد با یک یا چند نفر دیگر طرح خودکشی را ریخته و با هم اقدام کرده بودند، سابقه اقدام به خودکشی در ۲۷ درصد خودسوزی کنندگان وجود داشت، ۲ درصد موارد پیش از خودسوزی اقدام به خودکشی کرده بودند، در ۸/۷ درصد موارد سابقه خودکشی در بستگان درجه یک بیمار بود و ۴۷ درصد خودسوزی کنندگان مرگ یکی از عزیزان خود را تجربه کرده بود.

بررسی‌های انجام شده، حاکی از آن است که در ایران، ۱/۳۹ تا ۴۳ درصد خودکشی‌ها و فراخودکشی‌ها به روش خودسوزی گزارش شده‌اند.

گزارش گروه هیات سازمان ملل از زندان‌های ایران

بنا به گزارش رسانه‌های گروهی، لویی ژوانه، رییس هیات سازمان ملل که برای بررسی «زندان‌های ایران» به این کشور سفر کرده بود، روز چهارشنبه ۲۶ فوریه ۲۰۰۳، در جمع خبرنگاران، گزارشی از بازرسی‌های خود را داد. این هیات تقریباً دو هفته در ایران بود و با مقام‌های رژیم و اعضای قوه قضائیه جمهوری اسلامی دیدار کرد. این نخستین دیدار یک هیات ناظر حقوق بشر سازمان از ایران طی هفت سال گذشته بود و دیدار از زندان اوین را نیز شامل می‌شد. این هیات در جریان دیدار

خود از زندان اوین با چند زندانی سیاسی ملاقات کردند.

هدف از سفر لویی ژوانه، حقوق‌دان فرانسوی و رییس هیات به همراه ۴ کارشناس مستقل حقوق بشر به ایران، تحقیق درباره شکنجه و زندان و ساختار سیستم قضایی ایران بود. آن‌ها در این سفر با بیش از یک صد زندانی، از جمله چندین زندانی سیاسی ملاقات کردند. آن‌ها همچنین از شماری از زندان‌های ایران، از جمله یک بازداشتگاه «غیررسمی» برای نگهداری زندانیان سیاسی بازدید کردند.

ژوانه، در پایان این دیدارها در یک کنفرانس خبری گفت که در ایران مشکلات جدی، به ویژه در مورد زندانیان سیاسی که در سلول‌های انفرادی نگهداری می‌شوند وجود دارد. لویی ژوانه گفت: «این گروه معتقد است که در بند ۲۰۹ زندان اوین افراد در ابعاد گسترده و در دوره‌های طولانی در سلول‌های انفرادی نگهداری می‌شوند، که بر اساس معیار هیات ناظر سازمان ملل که در مورد کلیه کشورهای مورد بازدید اعمال می‌شود، می‌توان بر آن نام «زندان در زندان» نهاد، که به این ترتیب می‌توان آن را بازداشت‌های خودسرانه دانست. به هر صورت این نخستین باری است که هیات کاری سازمان ملل با این نوع رفتارها در چنین مقیاس وسیعی روبه‌رو می‌شود».

آقای لویی ژوانه، سیستم قضایی ایران را سیستمی فاقد فرهنگ وکیل و در نتیجه فاقد فرهنگ دفاع از متهم توصیف کرد. او، همچنین از مجازات‌هایی کاملاً نامتناسب با ماهیت جرم سخن گفت و افزود: «در ایران نه آزادی بیان، بلکه مساله آزادی پس از بیان مطرح است.

این نخستین بار پس از هفت سال است که یک کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، اجازه یافت از ایران دیدار کند. سال گذشته در یکی از گزارش‌های سازمان ملل متحد، سیستم قضایی ایران، مسئول اصلی ادامه نقض حقوق بشر در ایران دانسته شد.

بنا به گزارش خبرگزاری‌ها خانواده زندانیان سیاسی، با شعار «آزادی زندانیان سیاسی» و برای گفت‌وگو با هیات سازمان ملل، در مقابل هتل «لاله» محل اقامت این هیات، طی روزهای متوالی دست به تجمعات اعتراضی زدند. نیروهای امنیتی که هتل را در محاصره خود داشتند، ضمن ضرب و شتم تجمع‌کنندگان، تعدادی را نیز بازداشت کردند. همچنین در روزهایی که هیات سازمان ملل، در ایران بود، چندین زندانی، از جمله ساسان آل‌کنعان، از مبارزان مخالف رژیم جمهوری اسلامی را در زندان سنندج، اعدام کردند.

باید منتظر ماند و دید که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، در مقابل گزارش این هیات، چه عکس‌العملی نشان خواهد داد.

ایران، از نظر جمعیت نسبی زندانیان، سومین رتبه خاورمیانه را دارد

وزارت کشور انگلیس، روز پنج‌شنبه ۲۷ فوریه (۸ اسفند ۱۳۸۱)، آماری را منتشر کرد که نشان

می‌دهد جمهوری اسلامی ایران، از نظر نسبت زندانیان به کل جمعیت، سومین رتبه را در میان کشورهای خاورمیانه به خود اختصاص داده است.

در این گزارش، جمعیت زندانیان ۲۰۵ کشور جهان ذکر شده است. آمار زندانیان ایران، در این گزارش، ۱۶۳ هزار و ۵۲۶ نفر ذکر شده است. این آمار برگرفته از آمارها در ۱۰ ماه گذشته است.

براساس این گزارش، به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در ایران، ۲۲۹ زندانی وجود دارد که از این لحاظ ایران رتبه سوم خاورمیانه، دهم در آسیا و چهل و هشتم در جهان را داراست.

بیشترین آمار زندانی در جهان، با رقم یک میلیون و ۹۶۲ هزار و ۲۲۰ نفر، مربوط به آمریکاست. در ایالات متحده آمریکا، به ازای هر یک صد هزار نفر جمعیت، ۶۸۶ زندانی وجود دارد. آمار زندانیان آمریکا، مربوط به پایان سال ۲۰۰۱ است.

براساس این آمار، در حال حاضر تعداد زندانیان محکوم شده در کشورهای آمریکا، روسیه و چین، تقریباً برابر با کل جمعیت زندانیان در دیگر نقاط جهان است.

معدل جمعیت زندانیان در روسیه، به ازای هر یک صد هزار نفر جمعیت ۶۶۴ نفر اعلام شده است که از این لحاظ این کشور، در رتبه دوم پس از آمریکا قرار دارد. بلاروس، نیز با معدل ۵۵۴ نفر زندانی در ازای هر یک صد هزار نفر جمعیت در رده سوم قرار داشته و قزاقستان نیز با ۵۲۲ نفر رده چهارم را به خود اختصاص داده است.

وزارت کشور انگلیس، تعداد کل زندانیان در سراسر جهان را هشت میلیون و ۷۵۰ هزار نفر برآورد ساخته و اعلام کرده است که جمعیت زندانیان جهان، با رشد سالانه معادل ۶۸ درصد به سرعت رو به افزایش است. براساس این آمار، بیشترین رشد جمعیت زندانیان در جهان، با ۷۸ درصد مربوط به قاره آسیا ذکر شده است.

کشف یک گور دسته جمعی در شهر میاندوآب

بخش خبری سایت حزب کمونیست ایران نوشت: بنا به خبری که از شهر میاندوآب دریافت کرده‌ایم چند روز قبل در حالی که یک شرکت پیمانکار در نزدیکی کارخانه قند میاندوآب مشغول کندن زمین برای ایجاد یک کارگاه جدید بودند به یک گور دسته جمعی برخورد کردند. پیمانکار با مشاهده این گور دسته جمعی از ادامه کار در این محل خودداری می‌کند. اما ماموران سپاه پاسداران میاندوآب در محل حاضر می‌شوند و ضمن بازداشت پیمانکار دستور ادامه کار در محل را صادر می‌کنند.

بنا به شواهد و اظهارات مردم، این گور دسته جمعی مربوط به زندانیان سیاسی است که در طی سال‌های اخیر توسط جنایتکاران اسلامی، به طور دسته جمعی قتل عام و در گورهای عمومی و بی‌نام و نشان دفن شده‌اند و خانواده و بستگان آن‌ها هنوز از سرنوشت آنان اطلاعی در دست ندارند.

جمهوری اسلامی، در طول حاکمیت ننگین خود و برای بقاء و ادامه حیات خویش، ده‌ها هزار تن از فعالین سیاسی و مخالفین خود را به شیوه وحشیانه در مقابل جوخه‌های اعدام قرار داده و آن‌ها را در گورهای دسته‌جمعی تحت عنوان لعنت‌آبادها به دور از چشم مردم زیر خاک کرده است. در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی، محل گورهای دسته‌جمعی که رژیم امروز آن‌ها را «لعنت‌آباد» می‌نامد فردا به میعادگاه عاشقان راه برابری و عدالت اجتماعی تبدیل خواهد شد و به جای هر قطره خون این عزیزان ده‌ها گل قرمز رنگ خواهند روید.

علت مرگ یک سوم شهروندان استان تهران تصادف رانندگی است

مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران، علت مرگ یک سوم از شهروندان استان تهران را که توسط واحدهای پزشکی قانونی مورد معاینه قرار می‌گیرد، مرگ بر اثر تصادف رانندگی اعلام کرد. دکتر اردشیر شیخ‌آزادی، در گفت‌گویی با ایرنا افزود: تعداد مردان مصدوم ناشی از تصادف رانندگی در سطح استان تهران، پنج برابر زنان است.

وی گفت: براساس آمارهای موجود متوفیات مردان ناشی از تصادفات رانندگی در سطح استان تهران، پنج برابر زنان است. مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران تعداد متوفیات ناشی از حوادث رانندگی در سطح این استان در سال ۸۰ را سه هزار و ۵۲۸ نفر ذکر کرد و گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون سه هزار و ۱۶۹ نفر بر اثر تصادف در استان کشته شده‌اند که این رقم تا پایان سال افزایش خواهد داشت. وی گفت: تعداد مصدومین ناشی از تصادفات رانندگی که در سطح استان تهران مورد معاینه قرار گرفته‌اند در سال گذشته ۲۱ هزار و ۸۹۷ نفر بوده که پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۸۱، این تعداد به ۲۶ هزار و ۸۰۰ نفر برسد.

استعفای دسته‌جمعی دبیران انجمن‌های دانشگاه صنعتی اصفهان

کلیه اعضای انجمن‌های بیش از ۱۳ دانشکده صنعتی اصفهان، در یک اقدام هماهنگ با انتشار اطلاعیه‌ای استعفا دادند. به گزارش سایت خبری امیرکبیر در نامه این انجمن‌ها آمده است: «در پی خشونت‌های اخیر در دانشگاه صنعتی اصفهان توسط عده‌ای از قشریون - البته با نفوذ در مراجع اصلی تصمیم‌گیری در دانشگاه - و با حمایت بی‌شائبه هیأت ریسه، کلیه اعضای انجمن‌های بیش از ۱۳ دانشکده در یک اقدام هماهنگ با دادن اطلاعیه‌ای «استعفا» دادند. با این اقدام فضای سیاسی دانشگاه در پرده‌ای از ابهام فرو رفته و مطلعین سیاسی از یک سو این کار را یک اقدام مثبت در راه جنبش دانش‌جویی ارزیابی کرده و فضا به گونه‌ای است که ماندن فقط وقت تلف نمودن می‌باشد بهتر

آن است که از طرق دیگر به ویژه اطلاع‌رسانی پیگیر و شفاف راه را برای آیندگان هموار نمایند». مسلمانان جوینان آگاه و آزادی‌خواه و چپ، از یک سو باید به فکر ساختن تشکل‌های مستقل خود باشند و از سوی دیگر جنبش دانش‌جویی را با جنبش کارگری پیوند دهند.

اخراج کارگران شرکت آذر شهد ارومیه

شرکت آذر شهد ارومیه بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرد. ده‌ها نفر از کارگرانی که قرارداد اشتغال آن‌ها لغو شده است، در محوطه اداره کل کار و امور اجتماعی، نسبت به اخراج خود، دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران علت تعدیل نیرو در کارخانه آذر شهد را کاهش هزینه‌های تولید عنوان کردند و افزودند: کارخانه با هیچ مشکل خاص اقتصادی روبه‌رو نیست. مدیرعامل شرکت آذر شهد، از دادن هرگونه توضیح به رسانه‌ها درباره علت لغو قرارداد کارگران خود که برخی از آن‌ها سابقه ده ساله دارند، خودداری کرد.

اخراج کارگران در اثر خصوصی‌سازی و تشدید کار و یا فرسودگی کارخانه‌ها صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی، مسلمانان باید مبارزه برای بیمه بی‌کاری، در اولویت جنبش کارگری قرار گیرد.

سرمداران رژیم جمهوری اسلامی، از عدم استقبال مردم در انتخابات اخیر شوکه شدند!

اکثریت مردم در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا که روز جمعه ۲۸ فوریه برگزار شد، شرکت نکردند و سرمداران رژیم را در شوک فرو بردند.

خبرگزاری‌های رسمی جمهوری اسلامی گزارش کرده‌اند که مشارکت مردم در این دوره از انتخابات پایین‌تر از حد مورد انتظار بوده است.

محمدرضا خاتمی دبیرکل حزب مشارکت اسلامی و نایب رییس مجلس شورای اسلامی، در سخنان قبل از دستور مجلس در رابطه با انتخابات گفت: «... در مجموع حدود ۳۹ درصد شرکت مردم را در انتخابات داشتیم... و پیام اصلی این انتخابات این بود که ما با کاهش چشم‌گیر مشارکت مردم در شهرهای بزرگ مواجه بودیم. این کاهش، علل و عوامل متعددی دارد و به نظر من هیچ‌کس نباید یک‌جانبه‌نگری کرده و با دید و تحلیل شخصی به خود اجازه دهد که اشتباهاتی که در دوره‌های قبلی وجود داشته منحصراً به رقیب خود منتسب کند. ما باید بیاندیشیم و درباره مشکلات مختلفی که وجود دارد، فکر کرده و تلاش کنیم تا بفهمیم چرا ۲۵ میلیون نفر در انتخابات شرکت نکردند». خاتمی افزود: «اگر ما امروز این زنگ خطر را نفهمیم، شاید فردا دیر باشد...»

همچنین یکی از روزنامه‌های جمهوری اسلامی، به نام «مردم سالاری»، با اعلام این خبر که بیش از ۸۰ درصد تهرانی‌ها در انتخابات شرکت نکردند، نوشت: «با این که «بی تفاوتی و عدم مشارکت مردم» در انتخابات از مباحث اصلی و پیش‌بینی‌های اکثر صاحب‌نظران سیاسی بود اما هیچ‌کس احتمال نمی‌داد که از چهار میلیون و هشتصد هزار نفر واجد شرایط شرکت در انتخابات شهر تهران، کم‌تر از ۲۰ درصد آنان، پای صندوق‌های رای حضور یابند. عدم مشارکت اکثریت قاطع مردم تهران و برخی کلان‌شهرها از جمله اصفهان، در دومین دوره انتخابات شوراها، پیام صریح و تکان‌دهنده‌ای به دو جناح حاکم دارد مبنی بر این که دیدگاه‌ها و عملکرد وابستگان به «راست» و «چپ» مورد قبول مردم نیست». این روزنامه در ادامه مطلب خود، با نگرانی از عدم شرکت مردم در این انتخابات تاکید می‌کند: «شایان ذکر است در این میان نیروهای برانداز و مخالفان خارج نشین، فرصت طلبانه تلاش می‌کنند مقاومت منفی مردم را به نفع خود مصادره نمایند...».

نتایج این انتخابات، به ویژه برای همه آن جریان‌ات و شخصیت‌هایی که در خارج از کشور، به مردم فراخوان می‌دادند تا در این معرکه‌گیری جمهوری اسلامی شرکت کنند، قاعدتا باید این «نه بزرگ مردم به مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی»، برایشان آموزنده باشد. شاید به فکر دل‌کندن از جمهوری اسلامی و جناح‌هایش بیفتند و به جای تقویت رژیم، مبارزه زنان، جوانان، معلمان و کارگران را تقویت کنند که با وجود خفقان و سرکوب شدید و فقر و فلاکت کمرشکن، هم‌چنان مرعوب جمهوری اسلامی نشده‌اند و به مبارزه سخت خود ادامه می‌دهند. این انتخابات نشان داد که مردم نه تنها هیچ رغبتی به نمایش‌های این رژیم تحت عنوان «انتخابات» ندارند، بلکه در جهت سرنگونی آن و برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر گام برمی‌دارند.